

زندگی با هوگو چاوز

سیاست آمریکا در برابر ونزوئلا و چاوز

نویسنده: ریچارد لپر (Richard Lapper)*

تاریخ تهیه گزارش: ۲۰ نوامبر ۲۰۰۶

تهیه کننده: شورای روابط خارجی آمریکا www.CPR.org

برگردان: منوچهر بصیر

اشاره شورای روابط خارجی آمریکا

شورای روابط خارجی (CFR=Council on Foreign Relations) که یک سازمان ملی، مستقل و بی طرف است، در سال ۱۹۲۱، برای انتشار عقاید دانشمندان تأسیس شده، به طوری که افراد، اعضا، سیاست پردازان، روزنامه نگاران و علاقه مندان در آمریکا و کشورهای دیگر بتوانند درک بهتری از جهان و مسائل سیاست خارجی که آمریکا و دولت های دیگر دارند، داشته باشند. این شورا از راه برگزاری اجلاس، برنامه های مطالعاتی گسترده، انتشار نشریه مسائل خارجی؛ که دربرگیرنده مسائل مهم بین المللی و سیاست خارجی آمریکا در وب سایت شورا است، آخرین اطلاعات را در مورد جهان و سیاست خارجی آمریکا ارائه می دهد. شورا عقیده خاصی در مورد روش کار و یا وابستگی به دولت آمریکا ندارد و نویسندگان، مسئول عقاید خود هستند.

گزارش های مخصوص شورا، برای شناخت اجمالی مسائل و واکنش سریع نسبت به یک بحران و درک عمومی مشکلات کنونی است. نویسندگان ممکن است از اعضای شورا یا کارشناسان مورد تأیید آن باشند که در رابطه با کمیته مشورتی کار می کنند و انتشار آثار آنان دست کم ۶۰ روز طول کشیده. کمیته مانند گروهی صالح کار می کند تا جواب گزارش را تهیه نماید. کمیته دو بار تشکیل می شود، پیش و پس از انتشار اثر، ولی برخلاف اعضای گروه کار، از گروه مشاوره نمی خواهند که آن را تأیید یا

تکذیب نمایند. گزارش های ویژه پس از چاپ به وب سایت شورا فرستاده می شود.

مقدمه ریچارد هاس

هوگو چاوز، منافع آمریکا را تهدید می کند بین کارشناسان؛ در مورد میزان این تهدید، اختلاف نظر وجود دارد. همراه با افزایش درآمد نفت ونزوئلا و صدمه های که به نفوذ آمریکا در عراق خورده و در کنار نابرابری های موجود در منطقه، چاوز هم

گزارشی با عنوان "زمان نگرشی تازه به ایران" توسط گروه کاری شورای روابط خارجی آمریکا به مدیریت برژینسکی و رابرت گنس نوشته شده ۳۲ صفحه به چشم انداز ایران درج شده بود. اکنون همان نهاد آمریکایی، گزارشی را مرمره ونزوئلا و چاوز با عنوان "زندگی با هوگو چاوز" تهیه کرده است. این گزارش که مشابهت هایی بین ایران و ونزوئلا به لحاظ نفوذ خیز بودن و درگیری آمریکا با این دو کشور و ... وجود دارد. همچنین شیوه برخورد نهاد آمریکایی دولت با ونزوئلا و چاوز می تواند تا حدی ما را به شیوه برخورد آمریکا با ایران رهنمون کند. بر آن شدیم که برگردان این گزارش را به برده ای و تقدیم خیرینده گان کنیم باشد که این ترجمه مورد استفاده دانش پژوهان و طراحان راهبردی قرار گیرد.

در حالی که صدمات شدیدی به آمریکا می زند با موفقیت به گسترش نفوذ خود مشغول است. بنابراین جای تعجب نیست که گذشته از جدی بودن مسئله، آمریکا نیز واکنش هایی از خود نشان دهد. "زندگی با هوگو" در حقیقت یک چارچوب راهبردی برای آمریکا در مقابل ونزوئلا، تعیین می کند که به احتمال قوی در درازمدت موجب کاهش نفوذ چاوز می شود و از مقابله مستقیم با او بهتر است. نویسنده ریچارد لپر معتقد است که هدف او در اینجا، بزرگ جلوه دادن تهدید نیست، بلکه توصیه انتخاب سیاستی است که در آن آمریکا علاقه خود را به همکاری با کاراکاس در مسائل عملی و منافع دو جانبه روشن می سازد، با وجود لاف و گراف های چاوز، این سیاست دنبال می شود در عین حال، برای تعدادی از رهبران آمریکایی لاین هم معلوم می کند که اگر چاوز در سیاست های داخلی و خارجی خود خطوط قرمز را رعایت نکند آنها باید چه واکنشی نشان دهند؟

بدین ترتیب ملاحظه می فرمایید که این گزارش موجب مشارکت عملی و آگاهی بسیار لازم در مورد مسئله ای می شود که به تدریج داغ تر و مهم تر می شود.

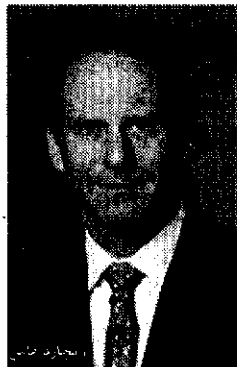
ریچارد هاس Richard N. Haass

رئیس شورای روابط خارجی - نوامبر ۲۰۰۶

مقدمه

شهرت مدل اقتصادی و سیاسی جدیدی که در ونزوئلا در دست تهیه است، برای دولت آمریکا تهدیدی دائمی به شمار می رود. هوگو چاوز از نخستین پیروزی خود در انتخابات رئیس جمهوری که در دسامبر ۱۹۹۸ صورت گرفت توانسته تا امروز با پیروزی های پی در پی انتخاباتی و اصلاح بنیادی قانون اساسی بر دولت ونزوئلا و نهادهای عمومی مسلط شود. او بی اعتنا به مخالفت شدید آمریکا، به اقدامی دست زده که از آن به عنوان "انقلاب بولیواری" نام می برد که برگرفته از نام "بولیوار" رهبر جنگ های استقلال آمریکایی لاین در قرن نوزدهم است.

چاوز، نقش دولت را در اقتصاد ونزوئلا تعیین کرد و با اجرای برنامه های اجتماعی قوی، علیه سرمایه داری آمریکا دست به یک جنگ صلیبی شدید



ریچارد هاس

ردیف نخست و خرداد ۱۳۸۶



مورالس و چاوز

نمود. شکست اخیر ونزوئلا برای داشتن یک کرسی موقت در شورای امنیت سازمان ملل نیز به حیثیت منطقه‌ای چاوز صدمه زد. از این گذشته، وابستگی کنونی ونزوئلا در تجارت با تعدادی از شرکای منطقه‌ای امریکای لاتین، قدرت چاوز را در تغییر اساسی موازنه قدرت در نیمکره محدود می‌کند.

امریکای می‌تواند در حفظ این موازنه نقشی داشته باشد، اما سیاستمداران امریکا، هنوز مهم‌ترین درسی را که از به قدرت رسیدن چاوز گرفته‌اند فراموش کرده‌اند. زیرا سیاست امریکا، همیشه مهم‌ترین مشکلات اقتصادی، اجتماعی امریکای لاتین، یعنی فقر و محرومیت گسترده آنجا را نادیده گرفته است. طبق برآورد کمیسیون اقتصادی سازمان ملل (ECLAC)، ۴۰ درصد مردم امریکای لاتین و جزایر کارائیب، یعنی حدود ۵۰۰ میلیون نفر در فقر زندگی می‌کنند.^(۱) هر چند برنامه‌های اجتماعی "چاوینستا" کمتر توانسته یک راهبرد بلندمدت ماندگار را ارائه دهد، اما چاوز توانسته برنامه‌های ارائه دهده که روش‌های ریاضت‌کشانه و ثبات اقتصادی کلان، نتوانسته است؛ اما برنامه چاوز موجب بهبود عمده زندگی مردم فقیر شده است. در حال حاضر این موفقیت موجب محبوبیت او و بی‌اعتباری امریکا شده است. با این حال، ونزوئلا، نقطه ضعف‌های بسیاری هم دارد. شکست ونزوئلا در متنوع‌نمودن اقتصاد خود و سرمایه‌گذاری کافی در صنعت هیدروکربن، موجب شده که رشد کوتاه‌مدت، وابسته به بهای نفت شود که در صورت کاهش قیمت نفت، ونزوئلا و کشورهای وابسته، با مشکلات شدید اقتصادی روبه‌رو خواهند شد. حتی اگر بهای نفت هم بالا بماند، برای ایجاد مشاغل کافی جهت نیروی کار در حال رشد و بهبود استانداردهای ماندگار در زندگی، نیاز به سرمایه‌گذاری‌های خارجی بیشتری است. به هر حال، تا ونزوئلا نتواند بخش عمومی خود را شفاف‌تر کند، احتمال نمی‌رود که دولت بتواند سرمایه‌گذاری خارجی را به میزان کافی جلب کند.

زده است. مهم‌ترین که اتحاد جدید و محکمی با دشمنان امریکا ایجاد نموده که موجب بین‌المللی شدن اهداف او شده است. آنچه بیشتر از همه دموکراسی ونزوئلا را به خطر افکنده، این است که چاوز و متحدان او، قدرت سیاسی را به قوه مجریه سپرده‌اند و این موجب کاهش قدرت قوه قضایی، شده است. از سوی دیگر بایستی به انتقادات داخلی، به‌طور آشکار در انتخابات دولت‌های همسایه، نیز دخالت می‌کند.

به همین دلیل است که سیاست‌پردازان امریکایی نتوانسته‌اند تاکنون در دولت چاوز نفوذ کنند. جنگ عراق و شکست فاحش اصلاحاتی بانک جهانی که در دهه ۱۹۹۰ موفق بود، موجب محدودیت نفوذ امریکادر عرصه‌های مختلف امریکای لاتین شد. در مقابل، چون چاوز از افزایش زیاد درآمد نفت در مبارزه با فقر و بیماری و دیگر مشکلات زندگی استفاده نموده است این مسئله سبب نفوذ سیاسی او در منطقه شد. در عین حال، روابط امریکا و ونزوئلا نیز به علت شکست‌هایی که در مشارکت امریکا در یک کودتای نظامی کوچک در سال ۲۰۰۲ علیه چاوز وجود داشت، به شدت صدمه دید.

اما با وجود فحاشی شدید چاوز به رهبران امریکا و دامن زدن به احساسات ضد امریکایی، امریکا و ونزوئلا متقابلاً به هم وابسته هستند، زیرا تقریباً ۶۰ درصد نفت ونزوئلا به امریکا صادر می‌شود. از سوی دیگر، تهدید ونزوئلا، در مورد صدور نفت به چین به جای امریکا هم در کوتاه‌مدت میسر نیست، زیرا به هزینه‌های زیربنایی و حمل و نقل فوق‌العاده زیادی نیاز دارد.

با این حال، کشورهای آرژانتین، برزیل و مکزیک موازنه‌های مهمی مقابل پوپولیسم ونزوئلا، به شمار می‌روند. شکست "هومالا اولانتا" (Ollanta Humala) که مورد حمایت چاوز در انتخابات ۲۰۰۶ ریاست جمهوری "پرو" بود، محدودیت چاوز را در امریکای لاتین مشخص

چون احتمال می‌رود چاوز در انتخابات ریاست جمهوری سوم دسامبر ۲۰۰۶ پیروز شود، مسئولان آمریکایی باید بی‌اعتنا به لاف و گزاف‌های او، نقاط ضعف وی را بررسی کرده و بعد برای مقابله با او به‌طور راهبردی فکر کنند. مناسب‌ترین روش در این مورد این است که از "دیو" نشان دادن چاوز که فقط موجب کاهش اعتبار آمریکا شده و به دست او بهانه برای فحاشی و تهمت می‌دهد خودداری شود. به جای این کار مادام که چاوز، منافع آمریکا را به‌طور جدی در امریکای لاتین مورد تهدید قرار نداده، آمریکا باید نشان دهد که مایل است در مسائل عملی مانند مبارزه با مواد مخدر و انرژی با او همکاری کند. در عین حال آمریکا باید با قدرت‌های دیگر منطقه مانند برزیل، آرژانتین، مکزیک و شیلی و کشورهای دیگر مانند اسپانیا که در منطقه بستگی‌های تاریخی دارند توافق کند - چنانچه کاراکاس دست به اعمال غیر قابل قبولی بزند، مانند اصلاح قانون اساسی برای ماندن درازمدت در قدرت و متزلزل نمودن دولت‌های دیگر امریکای لاتین - آن اقدامات لازم را انجام دهند. بالاخره مناسب‌ترین واکنش آمریکا در بلندمدت برای مقابله با چاوز باید این باشد که در سیاست خود در امریکای لاتین تجدیدنظر کند. بدین ترتیب که مسائلی چون فقر و نابرابری که خوراک لازم را برای جدابیت چاوز فراهم می‌کند، مورد توجه قرار دهد.

ظهور هوگو چاوز

در بخش اعظم دوران قرن بیستم، زیاد احتمال نمی‌رفت که ونزوئلا دچار بحران‌های سیاسی - اقتصادی شود. این کشور، به خاطر برخورداری از منابع سرشار انرژی و فقدان دشواری‌های جدی قومی - منطقه‌ای و تفاوت‌های فرهنگی که بسیاری از کشورهای امریکای لاتین را گرفتار کرده بود، از رفاه و ثبات نسبی برخوردار بود.

در سال ۱۹۵۸، هفت سال پس از حکومت دیکتاتوری "مارکوس پریز جیمز" (General Marcos Perez Jimenez) دو حزب سیاسی عمده ونزوئلا موافقت کردند که به نتایج انتخابات رئیس جمهوری احترام گذاشته و یک برنامه مشترک در حداقل میزان مربوطه ارائه دهند. حاصل کار، یک دموکراسی توافقی بود که به دو حزب اقدام دموکراتیک و دموکرات‌های مسیحی امکان می‌داد به نوبت به ریاست جمهوری برسند. این توافق که بین احزاب مهم و گروه ذی نفع صورت گرفت به نوعی به صنعتی شدن به رهبری دولت، بخصوص در منطقه مهم نفتی کشور منجر شده است.

در سال ۱۹۶۰، ونزوئلا در تلاش برای تثبیت بهای نفت بین کشورهای اوپک (OPEC) پیشتاز بود. بین سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۸ به شکرانه تحریم نفتی اعراب، بهای نفت و منافع آن افزایش یافت که به خاطر افزایش منابع مالی که ناشی از مالیات‌ها و حق امتیازهای مربوط به شرکت‌های نفتی خارجی بود، موجب پیدایش دیوانسالاری وسیع دولتی شد.

لیکن، دموکراسی ونزوئلا به تدریج به خاطر بی‌اعتنایی صاحبان قدرت به مردم فاسد شد. زیرا به خاطر برخورداری احزاب "اقدام دموکرات‌های ملی"، "دموکرات‌های مسیحی" و "کارگران شهری خوب سازمان‌یافته" وابسته به آن احزاب از منابع دولتی و مزایای چشمگیری که به آنها تعلق گرفته بود، اعتماد مردم به سیستم سیاسی از بین رفت.

کاهش بهای بین‌المللی نفت در اوایل دهه ۱۹۸۰، جلب حمایت مردم و برنامه‌های اجتماعی را که شالوده‌ثبات سیاسی را تشکیل می‌دادند، مشکل

کرد. کسری بودجه کشور به ۹/۹ درصد محصول ناخالص ملی و تورم به ۳۰ درصد رسید، در نتیجه ذخایر بین‌المللی منفی ۶/۲ میلیارد دلار شد طبق برآورد رسمی ونزوئلا بیشتر مردم یعنی ۱۹/۵ میلیون نفر در فقر نسبی یا شدید به سر می‌بردند.^(۱)

برای جلوگیری از فشار مالی، دولت کارلوس آندرس پریز (Perez Carlos Andres) با حمایت صندوق بین‌المللی پول، به اقدامات ساختاری تعدیلی نامطلوبی دست زد. افزایش کرایه اتوبوس، همراه با قطع یارانه‌های بنزین داخلی در فوریه ۱۹۸۹، به شورش‌های وسیع و کشته‌شدن صدها نفر از مردم انجامید. این حوادث پر فاجعه که با عنوان "کاراکازو" (Caracazo) معروف است، زمینه را برای رشد گروه‌های ملی‌گرا و چپ‌گرا آماده نمود. در نتیجه سرلشکر هوگو چاوز (Hugo Chavez) تصمیم گرفت که قدرت را با یک کودتا به دست گیرد. هر چند در فوریه ۱۹۹۲ کودتا شکست خورد، اما چون چاوز توانست بلافاصله پس از دستگیری، سخنرانی تلویزیونی کوتاهی کند، به محبوبیت ملی دست یافت.

طی سال‌های ۹۴ - ۱۹۹۲ که چاوز در زندان بود در عقیده خود نسبت به موثر بودن کودتا تجدیدنظر کرد و در سال ۱۹۹۶ تصمیم گرفت هدف‌های سیاسی خود را از طریق انتخابات دنبال کند. بدین ترتیب بود که با حمایت احزاب سنتی، با دولت به مخالفت پرداخت و به موفقیت در خشنای دست یافت و در دسامبر ۱۹۹۸ با نتیجه چشمگیری در انتخابات ریاست جمهوری موفق شد. چاوز در دوم فوریه ۱۹۹۹ به قدرت رسید و قول داد قانون اساسی را اصلاح و نظام فاسد دو حزبی را حذف کند و مبارزه با فقر را شدت بخشد. بعد از آن که چاوز به قدرت رسید، برای مبارزه با فقر و انجام طرح‌های زیربنایی به سرعت واحدهای ارتش را به مناطق مربوطه ارسال کرد و سپس برای شرکت‌های نفتی خارجی جمع‌آوری مالیات را ممنوع کرد. وی در سال‌های اول بر تهیه قانون اساسی جدید تأکید داشت. در ژوئن ۱۹۹۹، ونزوئلا اعضای مجلس قانون‌گذاری جدید را انتخاب نمود و در دسامبر ۱۹۹۹ از طریق یک همه‌پرسی، قانون اساسی به شکل مترقیانه‌ای اصلاح شد. محبوبیت قانون اساسی جدید به خاطر اهمیتی بود که برای مسائل اجتماعی فائل شده بود و این نیز در ژوئن ۲۰۰۰ موجب انتخاب مجدد چاوز شد و پیروزی بسیاری از متحدان او را در انتخابات قانون‌گذاری آن سال تضمین نمود. در عین حال بهای جهانی نفت هم، آهسته شروع به بالا رفتن کرد و این نیز موجب رهایی از فشار مالی شد و به مقامات ونزوئلا امکان داد تا برنامه‌های اجتماعی خود را گسترش دهند. تغییرات اجتماعی بیشتر در سیاست‌های دولت موجب خشم نخبگان سنتی و طبقه متوسط ونزوئلا شد که سیاست‌های بولیواری را توهینی به اصول دموکراتیک و مخالفت مستقیم با وضع کنونی خود که سال‌ها از آن بهره‌مند بودند می‌دانستند. آنها در ۹ آوریل ۲۰۰۲ در اعتراض به سیاسی نمودن هیئت مدیره شرکت نفت و ونزوئلا (PDVSA) همه را به دروزر اعتصاب عمومی دعوت کردند.

چند روز بعد، اعتصاب‌کنندگان در خیابان‌های کاراکاس با هواداران چاوز به زدو خورد پرداختند و در مبادله آتش، حداقل ۱۸ نفر کشته شدند. زمانی که از رهبران نظامی خواسته شد تظاهرکنندگان را سرکوب کنند، آنها سرپیچی کرده و درخواست برکناری رئیس جمهور را نمودند.

بلافاصله گروه کوچکی از افسران کنترل امور را به دست گرفته و از "پدرو کارمونا" (Pedro Carmona) رئیس فدراسیون تجاری کشور موسوم به "فدکاماراس" (Fedecamaras) دعوت کردند که به طور موقت ریاست جمهوری را در اختیار بگیرد. لیکن کارمونا با تعطیل نمودن مجلس ملی و انحلال دادگاه عالی، بسیاری از سیاستمداران مخالف و سرزانی را که از کودتا پشتیبانی نموده بودند منزوی نمود. سپس برای جلوگیری از اغتشاش بیشتر، افسران ارشد در ۱۳ آوریل، چاوز را به قدرت دعوت کردند. مخالفان دولت که در ماه آوریل نتوانستند چاوز را از قدرت برکنار کنند، در دسامبر ۲۰۰۲، به یک کودتای عمومی خرنده دست زدند. در این دوره دولت ونزوئلا از کارگران غیر ماهر ونزوئلا، تکنسین های کمکی ایران، چین، لیبی و دولت برزیل که نفت اضطراری را تهیه نمود، تشکر کرد چرا که به هنگام اعتصاب، که تولید نفت دو ماه متوقف شده بود به دولت کمک کردند. تردیدهایی وجود داشت که واشنگتن در برپایی کودتا و اعتصاب با گروه های فعال در این مورد همکاری نموده است. این مسئله موجب بدتر شدن روابط ونزوئلا و آمریکا شد، به طوری که چاوز توانست به احساسات ملی گرایی دامن بزند. چاوز تحت فشار مخالفان داخلی و سازمان دولت های آمریکایی مجبور به برگزاری یک referendum شد که بعدها به صورت مکانیزمی در قانون اساسی جدید ۱۹۹۹ درآمد. در آگوست ۲۰۰۴ چاوز با ۵۹/۲۵ درصد آرا به پیروزی چشمگیری دست یافت. هر چند رهبران مخالفان، دولت را به تقلب در انتخابات متهم نمودند، اما ناظران بین المللی از سازمان دولت های آمریکایی و بنیاد کارتر، گواهی نمودند که referendum با صداقت و عادلانه برگزار شده است. حزب چاوز به نام "جنیش جمهوری پنجم"، در اکتبر ۲۰۰۴ کنترل ۲۲ فرمانداری را از ۲۴ فرمانداری به دست گرفت.

در دسامبر ۲۰۰۵ بعد از آن که احزاب مخالف تصمیم گرفتند در مبارزه شرکت نکنند، همان اتحاد سیاسی ۱۰۰ کرسی را از ۱۶۷ کرسی، در پارلمان تصاحب کرد.

در انتخاباتی که در سوم دسامبر ۲۰۰۴ صورت گرفت، مخالفان داخلی در مبارزه با چاوز فرصت جدیدی به دست آوردند. بدین ترتیب که مانوئل روزالس (Manuel Rosales) فرماندار ایالت "زولیا" با حمایت تقریباً ۳۰ گروه سیاسی در صدد احراز مقام ریاست جمهوری برآمد.

انقلاب چاوز در عمل

انقلاب بولیواری چاوز موجب تغییر ساختار دولت و افزایش نقش دولت در امور اقتصادی شد. از سوی دیگر به خاطر افزایش درآمد نفت، کمک های اجتماعی افزایش یافت و این نیز موجب محبوبیت او در داخل شد.

تقویت قوه مجریه

هدف از اجرای قانون اساسی ۱۹۹۹، افزایش اختیارات و قابلیت مسئولیت پذیری نمایندگان سیاسی منتخب بود. قوانین جدید در صدد بود که قضات را مستقل تر کرده و باز بین بردن دیوان سالاری قانون گذاری، مقامات مربوطه را مجبور به برگزاری همه پرسی حین خدمت نموده و بعد استقلال بیشتری به هیئت انتخابات بدهد. برای نظارت بر این امور، دولت با ادغام دادستانی عمومی، واحدهای کنترل کننده و دفاتر رسیدگی به

شکایات مردم، خلق و خوی جدیدی را به اجرا گذاشت. اما دولت ونزوئلا در عمل مبهم تر و غیر پاسخگو تر شد. عضویت در شورای انتخاباتی ملی، به صورت چهار به یک به نفع هواداران چاوز درآمد. در حالی که قانون اساسی و قانون انتخابات تصریح کرده که شور باید مستقل باشد، اما قوه مجریه به طور چشمگیری در قوه قضاییه نفوذ کرده است. در سال ۲۰۰۴ دولت، قانون اساسی دادگاه عالی را اصلاح کرد و تعداد قضات را از ۲۰ به ۳۲ رساند، ولی هواداران دولت تمام پست های جدید را اشغال کردند. در بعضی موارد قضاتی که علیه چاوز اقدام نموده بودند، اخراج شدند. بررسی بیشتر قوه مجریه نشان داد که دولت در روش جدید، کنترل سیاسی را در دست رئیس جمهور قرار داده است. "آی سیاس رودریگز" (Isaias Rodriguez) دادستان عمومی از فعالان هوادار چاوز است که از موقعیت خود به نفع دولت استفاده نمود.

در ونزوئلا، آزادی مطبوعات وجود دارد، به طوری که بیشتر روزنامه ها تقاضای برکناری چاوز را می کنند و صاحبان آنها فعالانه با دولت مخالفت می نمایند. از سوی دیگر دولت نیز اخیراً نشان داده که تحمل این همه انتقاد را ندارد. به همین دلیل در سال ۲۰۰۴ محدودیت هایی برای آنها در نظر گرفته شد. به طوری که در بسیاری از موارد ناچار شدند خودسانسوری کنند.

سازمان خبرنگاران بدون مرز، نگهبانان حقوق بشر، اتحادیه داخلی مطبوعات، اتحادیه داخلی مطبوعات آمریکایی، نسبت به اتهامات ساختگی، چون تخلفات مالیاتی و جرایم جنایی برای سرکوب روزنامه نگاران مخالف اعتراض نمودند.

دولت ونزوئلا، غالباً متهم به فساد شده، مثلاً زمانی که نو دویچ درصد مناقصه های دولت در سال ۲۰۰۴ بدون هیچ رقیبی برگزار شد، شایعه فساد گسترده قوت گرفت. "لویس ولزکواز" (Luis Velazquez) قاضی سابق دادگاه عالی متهم به همکاری با چاوز شد که می گوید نفوذ او را بر دادگاه حاکم سازد. در مارس ۲۰۰۶ هم متهم شد که چهار میلیون دلار رشوه گرفته است. هر چند مقامات عالی رتبه دولتی فساد را به طور آشکار محکوم می کنند، اما هیچ یک از مقامات نظامی که متهم به رشوه خواری شده اند، تحت تعقیب قرار نگرفته اند.

در جولای ۲۰۰۶ قانون گذاران ونزوئلا، طرحی ارائه دادند که سازمان های غیر دولتی (NGO) نمی توانند هدایای خارجی دریافت کنند، هر چند این دستور برای مقابله با واشنگتن است تا از حمایت مالی گروه های ضد چاوز جلوگیری کند. هر چند این دستور دولت مقابله با استقلال سازمان های جامعه مدنی صرف نظر از وابستگی های سیاسی آنها به شمار می رود.

در سپتامبر ۲۰۰۶، چاوز با اجرای یک همه پرسی به نام همه پرسی ۲۰۱۰ که به او امکان انتخاب مجدد به طور نامحدود را می داد، راه را برای گسترش بیشتر اقدامات خود هموار کرد. دولت کنونی سعی می کند به جای پایان دادن به چهار دهه انحصار قدرت، هر چه بیشتر از مزایای سیاسی، اجتماعی برخوردار شود.

اقدامات تند اقتصادی

هدف چاوز، حل دو مشکل عمده ونزوئلا، یعنی فقر و نابرابری از طریق ایجاد یک اقتصاد سوسیالیستی است که بر سرمایه داری برتری دارد. این کار از سه راه به هم پیوسته انجام می شود:



دولتی که به تعداد زیادی تشکیل شده است، مجبور شدند که بخشی از درآمدهای خود را به طرح‌های مردمی و اجتماعی اختصاص دهند. در عین حال دولت نیز در دو سال گذشته، در بخش دولتی تعاونی‌ها کسب و کارهایی ایجاد کرده است. در اوایل سال ۲۰۰۵، چاوز فرمان اصلاحات ارضی را صادر کرد (که در ۲۰۰۱ امضا شده بود) هدف آن حذف املاک و زمین‌داری‌های بزرگ بود. در ماه مه ۲۰۰۶ صد مزرعه خصوصی که از نظر کارشناسان بی‌حاصل و نامرغوب بود توسط دولت مصادره و تصرف عدوانی شد.^(۳) سرانجام دولت به‌طور قابل‌توجهی بودجه را افزایش داد. بدین ترتیب که از راه اختصاص بودجه و بودجه تحت اختیار، قسمت زیادی از درآمد نفت را به طرح‌های اجتماعی اختصاص داد. با بستن قراردادهای جدید و گرفتن مالیات و حق امتیاز دولتی از شرکت‌های نفتی که در ونزوئلا فعالیت می‌کنند، درآمد اضافی جمع‌آوری شد، به طوری که درآمد ملی دولت در سال ۲۰۰۱ از ۸/۶ میلیارد دلار به ۴۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ رسید. در اینجا شاید بیشتر از ۷ میلیارد دلار هر سال به بودجه دولت برای طرح اقتصادی - اجتماعی افزوده شد و صرف نهادهای جدیدی گردید که در کنار برنامه‌های رفاه دولتی موجود، ایجاد شده بود. جنبش سیاسی چاوز در تاریخ کشور با عبارت "مأموریت‌های بولیواری" شناخته می‌شود. در این برنامه آنها خدمات زیادی ارائه دادند که از آن جمله می‌توان به مبارزه با بیسوادی، غذای ارزان قیمت و تعلیم و تربیت اشاره نمود. شاید بتوان گفت، برنامه خدمات بهداشتی که با حضور بیشتر از ۲۰۰۰ پزشک، دندانپزشک و مربیان ورزشی کوبایی انجام شد، از مشهورترین برنامه‌های اجتماعی چاوز است.

چاوز در عین حال برای مقابله با بی‌عدالتی امریکادر نظام تجارت آزاد، نظام تجاری جدیدی انتخاب نمود و برای مبارزه با تحریم تجاری در جولای ۲۰۰۶ به عضویت کامل بازار مشترک جنوب "مرکوسور" (Mercosur) درآمد. از سوی دیگر برای کمک به حل دشواری‌های اقتصادی با اتحاد سیاسی بین ونزوئلا، کوبا، بولیوی، روشی به‌عنوان روش بولیواری برای امریکایی‌ها انتخاب نمود. (ALBA)

اداره امور نفت ونزوئلا و صنعت هیدروکربن

پس از اعتصاب عمومی که در سال ۲۰۰۲ انجام شد، مقامات ونزوئلا نقش فعال‌تری در امور نفت (PDVSA) کشور ایفا نمودند، بدین ترتیب که جانشین خودمختاری سنتی هیئت مدیره شرکت دولتی شدند. این جریان از زمانی شروع شد که دولت، ۱۸۰۰۰ اعتصاب‌کننده را با مدیران ارشد و تکنسین‌ها بیرون کرد.

کاراکاس دست به مذاکرات جدیدی با شرکت‌های خارجی زد. بدین ترتیب که از راه سختی شرایط، افزایش حق امتیازها و کنار گذاشتن سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی که در دهه ۱۹۹۰ صورت گرفت، مقامات مربوطه محدودیت‌های بیشتری برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک قائل شدند و در سال ۲۰۰۵، شرکت‌های دولتی را جانشین شرکت‌های قدیمی نمودند. این تغییرات با افزایش ابهام در امور مالی شرکت نفت همراه بود. مسئولان مربوطه به تازگی اظهار داشتند که دیگر حاضر به افزایش سرمایه‌گذاری‌ها در بازار امریکان نیستند و به همین دلیل دیگر لازم نیست که شرکت، صورت حساب‌ها را به کمیسیون بازرسی و مبادله تحویل دهد.

۱- روش مداخله در مدیریت اقتصادی ۲- روش توسعه بخش تعاونی و موسسات اجتماعی که به شدت به یارانه‌های عمومی وابسته است ۳- گسترش سریع مخارج دولت که در وهله اول بستگی به درآمد نفت بیشتر دارد.

هر چند چاوز در وهله اول روش اقتصاد کلان به‌طور نسبی محتاطانه‌ای را پیش گرفت، اما هنگام و پس از اعتصاب کارگران در سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۲ زمانی که بازار مبادله خارجی کنترل شد، این روش تغییر کرد. اکنون واردکنندگان برای این که بتوانند دلار یا ارزهای خارجی دیگر بگیرند باید از کمیسیون اداره مبادلات ونزوئلا اجازه بگیرند. کنترل قیمت شامل تعدادی از محصولات اساسی می‌شود.

در سال ۲۰۰۴ پس از این که نرخ بهره اعلام شد، بانک مرکزی اعلام کرد که به هر بخش اقتصادی چقدر اعتبار تعلق می‌گیرد. در عین حال، مقررات جدید بانکی نیز اعلام نمود که یک سوم تمام آن وام‌ها، به کسب و کارهای کوچک، رهن‌های کم درآمد و آن بخش مورد نظر دولت که پایین‌تر از نرخ بازار قرار دارند، تعلق خواهد گرفت. اما تمام این سیاست‌ها با مخالفت بخش بازرگانی روبه‌رو شده که به دنبال آن نرخ سرمایه‌گذاری خصوصی هم به‌طور نسبی پایین آمد. با این حال، دولت برای افزایش و بهبود بخش تعاونی نیز اقداماتی انجام داد. به‌طور کلی ۱۰۸۰۰۰ تعاونی تشکیل شده که ۵ درصد تمام مشاغل در ونزوئلا به‌شمار می‌رود که از سوی دیگر، برای دریافت وام دولتی و انعقاد قراردادها مناسب هستند. شرکت‌های تولیدی - اجتماعی

چاوز غالباً می‌گوید که قصد دارد بازارهای نفت و ونزوئلا را تنوع بخشیده و تعداد سرمایه‌گذاران خارجی در صنعت هیدروکربن را افزایش دهد. در حقیقت گاهی اوقات هم تهدید نموده که ارسال نفت از ونزوئلا به امریکا را تعطیل کرده و تالیسات تسویه نفت و ونزوئلا در خاک امریکا را هم تعطیل خواهد کرد. در آگوست ۲۰۰۶، چاوز با امضا چند قرارداد انرژی با چین، گام دیگری در راستای هدف‌های خود برداشت. چین به تازگی روزانه بیشتر از ۱۰۰۰۰۰ بشکه نفت از ونزوئلا وارد می‌کند و قول داده که تا سال ۲۰۱۱، مقدار آن را به ۵۰۰۰۰۰ بشکه برساند. از این گذشته قرار است برای ارسال نفت به ماورای اقیانوس هانتکسکس‌های غول‌پیکر لازم را فراهم نموده و دوازده منطقه حفاری در مناطق دریایی ایجاد نماید. لیکن در آینده هم ونزوئلا همچنان به شدت به فروش نفت به امریکا وابسته خواهد ماند. به تازگی، ونزوئلا نزدیک به ۲/۷ میلیون بشکه در روز تولید می‌کند که ۱/۵ میلیون آن مستقیماً به امریکا می‌رود. هر چند مشتری‌های جدید، شرکت‌های دولتی روسیه، ایران، چین، هند و برزیل هستند، اما سه شرکت بزرگ نفتی امریکا، یعنی شوروی، کونوکو فیلیپس و اکسون همچنان میزان زیادی در ونزوئلا سرمایه‌گذاری می‌کنند.

در سال ۲۰۰۵ چاوز اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۲۰۱۲ میزان تولید خود را به ۵/۸ میلیون بشکه برساند. اما کاهش بهای نفت در بازار جهانی این تصمیم را به تأخیر انداخته. در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۶، ونزوئلا برای مقابله با سقوط بیشتر بهای نفت به نیجریه پیوست و اعلام کرد که میزان تولید خود را تا ۵۰۰۰۰۰ بشکه در روز کاهش خواهد داد.

در نیمه جولای ۲۰۰۶، ۲۰ درصد از اوج ترقی بهای نفت کاسته شد، اما هنوز نسبت به چند سال پیش بالاترین قیمت را دارد. در این میان پرسش مهم این است که آیا شرکت نفت برای حفظ تولید و ظرفیت تصفیه در سطح کنونی همچنان از منابع خود سرمایه‌گذاری خواهد کرد یا شیوه جدیدی را دنبال می‌نماید؟ وقتی شرایط این طور است، معلوم است که چنانچه بخواهد در آینده عملیات خود را گسترش دهد با چه دشواری‌هایی روبه‌رو خواهد شد.

به حداکثر رساندن قدرت نفت

کنترل بیشتر شرکت نفت، گرفتن حق امتیاز بیشتر از شرکت‌های نفت خارجی و حفظ بهای بالای نفت، منابع زیادی در اختیار دولت چاوز گذاشته که نه تنها می‌تواند برنامه‌های اجتماعی خود را که اساس شهرت اجتماعی اوست حفظ کند، بلکه می‌تواند موجب گسترش نفوذ او در سراسر امریکای لاتین شود. طبق گزارش روزنامه "ال ناسیونال" (El Nacional) طی نیمه دوم ۲۰۰۵ و نخستین ماه ۲۰۰۶، ونزوئلا موافقت کرد مبلغ ۲۵/۹ میلیارد دلار کمک اقتصادی به شرکای خود در نیمکره بکنند که بزرگ‌ترین مقدار آن یعنی ۴/۳۸ میلیارد به برزیل، ۴/۳۴ میلیارد به کوبا و ۳/۹۸ میلیارد به آرژانتین تعلق گرفت. از سال ۲۰۰۵، ونزوئلا بیشتر از ۳ میلیارد دلار اوراق قرضه از آرژانتین خریده و همین قدر نیز به اکوادور کمک کرده. در عین حال ونزوئلا هزینه طرح "اوپراسیون میلآگرو" (Operacion Milagro) را که با شرکت پزشکان کوبایی انجام شد پرداخت که در نتیجه هزاران نفر از مردم فقیر امریکای لاتین و جزایر کارائیب، رایگان به معالجه چشمان خود پرداختند. سرانجام دولت منابع لازم را برای راه‌اندازی شبکه تلویزیونی

"تله‌سور" (Telesur) که عقیده‌های جناح چپ امریکای لاتین را منعکس می‌سازد، پرداخت. در عین حال کاراکاس برای ایجاد روابط دوستانه با دولت‌های نیمکره غربی، به آنها نفت رایگان یا ارزان داد. در سال ۲۰۰۵، ونزوئلا برای تهیه نفت ارزان قیمت منطقه‌ای با همسایگان خود، شرکت‌هایی به نام "پترو کارائیب"، "پتروسور" و "پترو آندونیا" تشکیل داد. در عین حال چاوز برای مردم کم‌درآمد در امریکا نیز نفت ارزان قیمت تهیه کرد.

کنترل شدید ارتش

با انجام تغییرات سازمانی و انتصابات جدید، چاوز به شدت به کنترل ارتش پرداخت.^(۱) از نظر دکترین نظامی که در جولای ۲۰۰۵ اختیار شده بود. امریکا و کلمبیا از دشمنان درجه اول ونزوئلا به‌شمار می‌آیند. به همین دلیل بود که ونزوئلا تمام روابط نظامی خود را تعطیل کرده و به دنبال متحدان نظامی جدیدی، بخصوص کوبا رفت.^(۵)

برای این که بتوان از حاکمیت ونزوئلا و امنیت داخلی آن دفاع کرد، نیروهای مسلح تلاش دارند که از سلاح‌ها، ارتباطات و سیستم‌های مراقبت جدیدی استفاده کنند که از روسیه، چین، اسپانیا و برزیل خریده‌اند. مقامات دولتی اظهار داشتند که هدف از این بازسازی نظامی، تقویت امور دفاعی است. چاوز بر این باور است که مرزهای کشور، بخصوص با کلمبیا، به علت حضور دیرینه نیروهای میلیشیا و چریکی احتیاج به مراقبت بیشتری دارند.

استراتژی سیاست خارجی روبه رشد

روابط بین‌المللی ونزوئلا بر دو پایه به هم وابسته ایدئولوژی و اقتصاد قرار دارد. چاوز در امریکای لاتین بر میراث مشترک مبارزه اقتصادی، احساسات پان‌امریکن و درک این مطلب که علت عقب‌ماندگی مردم امریکای لاتین اتکا به امریکا و اروپا است، تأکید دارد. در بقیه جهان، او بر ونزوئلا، به‌عنوان پایه‌گذار تأکید می‌کند و در ضمن به نکات مهم تری از نظر اقتصادی و جغرافیای سیاسی که غالباً ضد امریکایی است می‌پردازد.

نیمکره غربی

وابستگی اقتصادی، موجب پیوند دولت ونزوئلا با کشورها و سازمان‌هایی می‌شود که در نیمکره غربی احساسات ضد امریکایی دارند. به‌خاطر دوستی با فیدل کاسترو، چاوز توانسته یک اعتبار انقلابی کسب کند و رهبر آینده مبارزات ضد امپریالیستی در امریکای لاتین شود، اما این که آیا او می‌تواند چپ امریکای لاتین را رهبری کند، هنوز یک پرسش است، زیرا تا امروز موفقیت زیادی نداشته است.

"مورالس" رئیس جمهور بولیوی، "نستروکتوچز" رئیس جمهور آرژانتین، "تولاداسیلوا" رهبر برزیل هر کدام با تفاوت‌هایی، معتقدند که نابرابری‌های موجود در امریکای لاتین، به علت وابستگی‌های خارجی است. "دانیل اورتگا" رئیس جمهور نیکاراگوئه، "رافائل کوریا" رئیس جمهور اکوادور نیز همین نظر را دارند. بیشتر این رهبران مخالف طرح تجاری آزاد به رهبری امریکا می‌باشند و تلاش کرده‌اند تا دیپلماسی در نیمکره غربی چندقطبی شود، اما روسای جمهوری برزیل و آرژانتین با روش تحرک‌آمیز چاوز مخالف هستند. به همین دلیل بین ونزوئلا و برزیل، بخصوص به خاطر نفوذ چاوز در بولیوی، کشوری که از قدیم روابط

اقتصادی محکمی با برزیل داشته، اختلافاتی بروز نموده. حمایت لفظی ونزوئلا از ملی کردن نفت بولیوی و شرکت نفت دولتی برزیل موجب بروز اختلافاتی بین برزیلیا و کاراکاس شده است.

در موارد دیگر، سیاست‌های خارجی ونزوئلا، بیشتر توسط واقعیت‌های اقتصادی تعیین می‌شود تا ایدئولوژی و اصول. سیاست بازرگانی چاوز هم قابل توجه است. ارسال نفت به امریکا برای سلامت اقتصادی کشور بسیار مهم است. تجارت امریکا با ونزوئلا نیز در حال شکوفایی است. در سه ماهه اول سال ۲۰۰۶، صادرات غیرنفتی به امریکا ۱۱۶ درصد رشد کرده که برای اقتصاد ونزوئلا اهمیت زیادی دارد. در مقابل، ونزوئلا نیز محصولات بیشتری از امریکا وارد می‌کند که از جمله می‌توان به اتومبیل، ابزار و آلات ساختمانی و کامپیوتر اشاره کرد. هر چند ممکن است چاوز آرزو داشته باشد که به وابستگی‌های ونزوئلا به امریکا پایان دهد، اما به راحتی نمی‌توان به این روابط اقتصادی پایان داد.^(۶)

برای ونزوئلا، حتی روابطی که متکی به پیوندهای ایدئولوژیکی است، فایده‌های اقتصادی خاصی دارد. اگر چاوز می‌توانست برای دولت بولیوی کارخانه‌های آمایش و ظرفیت استخراجی بسازد، به دنبال آن ونزوئلا به عنوان بازیگر انرژی منطقه‌ای، اهمیت بیشتری پیدا می‌کرد. به همین ترتیب طرح‌های پتروکاراییه، پتروآندونیا و پتروسور با تبدیل یارانه‌های نفتی به وام‌های کم‌بهره و درازمدت، موجب گسترش اقدامات مفید و افزایش قدرت مالی ونزوئلا می‌شد. به تازگی، برزیل، آرژانتین و ونزوئلا شروع به ساختن ۱۰۰۰۰ کیلومتر لوله انتقال گاز نموده‌اند که از میدان‌های گاز ونزوئلا تا آرژانتین ادامه دارد، اما بیشتر مسئولان معتقدند این طرح عملی نیست. از سوی دیگر تصمیم ونزوئلا برای عضویت در "پیمان مرکوسور" بیشتر جنبه سیاسی دارد، اما چاوز بیشتر مایل است که از این راه، تجارت کشور را غنی سازد.

روابط ونزوئلا با کشور همسایه کلمبیا، بیشتر با سوءظن و دشمنی همراه بوده است. از نظر ونزوئلا کشور همسایه کلمبیا به خاطر روابط سیاسی، اقتصادی و نظامی که با امریکا دارد، تهدیدی برای امنیت ملی ونزوئلا به‌شمار می‌آید. مقامات کلمبیا، دولت چاوز را متهم می‌سازند که به سازمان چریکی نیروهای مسلح انقلابی کلمبیا اجازه داده‌اند تا از خاک ونزوئلا، برای عملیات علیه کلمبیا استفاده کنند.^(۷)

چاوز همیشه مایل بوده که یک سیاست عملی و میانه‌رو نسبت به کلمبیا داشته باشد. در سال ۲۰۰۴ که مأموران مخفی کلمبیا "رودریگو گراندا" رهبر چریک‌ها را در کاراکاس دستگیر کردند، روابط دو کشور به هم خورد و هر دو کشور سفیران خود را فراخواندند. این حادثه به یک بحران دیپلماسی بین دو کشور انجامید که روابط اقتصادی آنها را تهدید می‌کرد. سرانجام، به شکرانه وساطت فیدل کاسترو بود که توانستند به سرعت اختلافات خود را حل کرده و مذاکرات خود را در مورد ساختن یک لوله انتقال نفت بین دو کشور شروع کنند.

فراسوی امریکاس

چاوز، خارج از امریکای لاتین هم تلاش نموده که با اتحاد با تعدادی از دشمنان امریکا و رقبای راهبردی، دست به یک مبارزه جهانی علیه سیاست خارجی امریکا و جنگ عراق بزند. این متحدان

عبارتند از: سوریه، روسیه و بلاروس. اما مهم‌ترین اقدام چاوز برقراری روابط صمیمانه‌تر با ایران و چین بوده است. همکاری ونزوئلا با ایران به هیچ عنوان مسئله جدیدی نیست، زیرا هر دو از اعضای کلیدی پیمان اوپک هستند، اما حوادث اخیر موجب نزدیک‌تر شدن دو کشور شده است. در جولای و سپتامبر ۲۰۰۶، چاوز و محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران - موافقتنامه دوجانبه اقتصادی امضا کردند. مدت‌هاست که کارخانه‌های ایران در ونزوئلا شروع به ساختن تراکتور و اتومبیل کرده‌اند و از سوی دیگر پتروپارس شرکت نفت دولتی ایران نیز، اظهار علاقه کرده که در افزایش تولید نفت ونزوئلا هم همکاری لازم را بکند. در عین حال در جلسه ماه فوریه، سازمان بین‌المللی انرژی اتمی، همراه با کوبا و سوریه مخالفت‌های خود را با تصمیمات شورای امنیت با برنامه اتمی علیه ایران اعلام کردند. در عین حال چاوز به خاطر دخالت نظامی اسرائیل در لبنان و گناه هیتلر در ارتکاب "هولوکاست" از دیدگاه ژئوپولیتیکی ایران در خاورمیانه دفاع نموده است. ایران نیز در مقابل از تلاش ونزوئلا برای داشتن یک کرسی در شورای امنیت حمایت کرده است.

روابط با چین کمتر جنبه سیاسی دارد. از سال ۲۰۰۵ چون چین به دنبال منابع طبیعی لازم برای رشد اقتصادی خود بود، به سرمایه‌گذاری در امریکای لاتین افزود. هر چند تجارت با امریکای لاتین فقط ۳ درصد تجارت خارجی چین را تشکیل می‌دهد، اما برای ونزوئلا تجارت با چین اقدامی در راستای متنوع کردن منابع سرمایه‌گذاری آن به‌شمار می‌رود.^(۸) در عین حال ونزوئلا از روابط با چین بهره‌برداری سیاسی می‌نماید، بدین ترتیب که مرتب تهدید می‌کند با صدور نفت به آسیای جنوب شرقی، انرژی ملی امریکا را به خطر خواهد انداخت.

سازمان‌های بین‌المللی

چاوز از سازمان‌های بین‌المللی، مانند جنبش غیرمتعهدها و سازمان دولت‌های امریکا و سازمان ملل، برای انتقاد از سیاست‌های امریکا استفاده می‌کند. در سپتامبر ۲۰۰۶، هنگام برگزاری اجلاس عمومی سازمان ملل، چاوز به شدت امپریالیسم امریکا را تهدید کرد و صریحاً بوش را شیطان نامید. مقامات دولت ونزوئلا معتقد بودند چنانچه آنها نتوانند یک کرسی موقت در شورای امنیت به دست آورند می‌توانند نقش بازدارنده‌ای در برابر امریکا برای دست‌زدن به جنگ پیشگیرانه و مداخله‌گری دائم داشته باشند.^(۹) تلاش ونزوئلا برای احراز کرسی یادشده، این ترس را ایجاد کرد که آن کشور موجب اختلال در شورای امنیت شده و در روابط با ایران قدرت و توی پنج عضو دائمی سازمان ملل را از بین خواهد برد. به همین دلیل واشنگتن به شدت از کاندید شدن گواتمالا در این مورد حمایت می‌کند. در پایان، نه گواتمالا و نه ونزوئلا، نتوانستند دوسوم اکثریت لازم را برای کسب یک کرسی در سازمان ملل به دست آورند. بدین ترتیب که بعد از چهل و هفت بار رأی‌گیری هر دو کشور شکست را پذیرفتند و با انتخاب یک کاندید توافقی یعنی "پاناما" موافقت کردند. این حادثه نه تنها مقامات ونزوئلا را که سرمایه‌گذاری سیاسی مهمی در این مورد کرده بودند، ناراحت نمود، در عین حال ضرب‌به‌سختی برای موقعیت بین‌المللی چاوز نیز به‌شمار می‌رود. روابط امریکا و ونزوئلا بدتر شده و برپایه شک و تنش دوجانبه قرار دارد.

مقامات امریکایی بر سر این که با تمرکز قدرت در ونزوئلا، سیاست‌های اقتصادی ملی‌گرایانه و شعارهای جنگ‌طلبانه چه باید کرد با هم اختلاف دارند و در عین حال از دسترسی به نفت آن کشور هم مطمئن هستند.

عمل، نه حرف

در اواخر دهه ۱۹۹۰، امریکا در واکنش به ونزوئلا، سیاست انطباقی پیش گرفت. دولت کلینتون تا حد زیادی از برخورد مستقیم با آن کشور خودداری کرد و تصمیم گرفت بین حرف‌های شعارگونه و سیاست‌های واقعی چارژ تفاوت قائل شود. زیرا مطمئن بودند که روابط اقتصادی امریکا و ونزوئلا با این حرف‌ها از بین نمی‌رود. از سوی دیگر بازرگان‌های امریکا نیز از این روابط محتاطانه استقبال کردند.

از اوایل ۲۰۰۱ که بوش در امریکا به قدرت رسید، روابط دو کشور بدتر شد و امریکا حساسیت بیشتری به دولت ونزوئلا به رهبری چارژ نشان داد. زمانی که امریکا با سروصدا اعلام کرد در ۱۱ آوریل قصد کودتا داشته، اختلاف شدت گرفت.

در ۱۲ آوریل، زمانی که چارژ در یک پایگاه نظامی بازداشت بود، "آری فلیچر" (Ari Fleischer) منشی مطبوعاتی کاخ سفید اظهار داشت امریکا قصد دارد با دولت انتقالی کار کند و در عین حال از تبعید اجباری چارژ پشتیبانی کرد که مفهوم آن خیرمقدم به دولت جدید بود. چنین روشی به شدت با دیدگاه‌های وزیران خارجه امریکای لاتین یا گروه "ریو" (Rio) مخالف بود چرا که این گروه مداخله در روش‌های قانون اساسی را محکوم می‌کردند.

هر چند امریکا پیمان "سازمان دولت‌های امریکایی" (OAS) را امضا کرده بود، اما خوشحالی خود را از این حادثه پنهان نکرد. یک بازرسی امریکایی پس از تحقیقات خود متوجه شد که سفارت امریکا نقشی در این کودتا داشته، اما دولت بوش فراموش کرد این شایعه را تکذیب کند.^(۱۱) به همین دلیل بود که مفسران در ونزوئلا و امریکای لاتین و حتی امریکا به این شایعه دامن می‌زدند که سازمان برنامه‌های حمایت از دموکراسی امریکا به کودتاگران کمک مالی کرده است. چارژ هم این گناه را به گردن همان سازمان انداخت که قصد براندازی رژیم را داشته، در نتیجه به سوء ظن و تهمت به امریکا دامن زد.

از زمانی که دیپلمات ورزیدی به نام "توماس شانون" (Thomas Shannon) به عنوان معاون وزیر امور خارجه و مسئول امور نیمکره غربی انتخاب شد، روش معتدلی در برابر ونزوئلا انتخاب کرد. با وجود این مسئله روابط امریکا و ونزوئلا بهتر نشد. چارژ به فحاشی خود به امریکا شدت بخشیده و به میزان چشمگیری روابط با ایران را گسترش داده است. در فوریه ۲۰۰۶، دونالد رامسفلد "وزیر دفاع امریکا به شدت به چارژ حمله کرد و او را مانند هیتلر، حقه‌باز و سرکوبگر نامید."^(۱۲) او دولت ونزوئلا را به خاطر کنترل اوراق هویت و کم‌کاری در مبارزه با قاچاق مواد مخدر و تروریسم، فاسد نامید و اظهار داشت که تروریست‌ها و قاچاقچیان از خاک ونزوئلا به منظور عملیات خود استفاده می‌کنند. مقامات وزارت خارجه هم، ونزوئلا را متهم به سستی در همکاری برای سرکوب تروریست‌ها کرده و فروش اسلحه و دیگر تجهیزات نظامی را به آنجا ممنوع کردند. از سوی دیگر سازمان سیا مأمور شد در یک مأموریت مشترک، اطلاعات لازم را در مورد کوبا و ونزوئلا

و روابط آنها جمع‌آوری نماید و در ضمن معتقد است که ونزوئلا ممکن است پس از کاسترو برای امریکا در دسرساز باشد. تلاش ونزوئلا در کسب یک کرسی در شورای امنیت سازمان ملل و سخنان تند چارژ در اجلاس عمومی آن سازمان، انجام گفت‌وگو را مشکل‌تر کرده است و طبق گزارش دفتر پاسخگویی دولت، روابط امریکا و ونزوئلا، همکاری در مورد انرژی و کمک خارجی در موارد انرژی نیز بدتر شده. سه سال از مذاکراتی که دو کشور در این موارد داشته‌اند سپری شده است. از سال ۲۰۰۳ مبادله اطلاعات و فناوری تولید نفت هم کاهش یافته و به تلاش‌های امریکا در نوسازی تجهیزات فناوری، یکی از مهم‌ترین تهیه‌کننده‌های نفت (ونزوئلا - م) صدمه وارد کرده است. در عین حال مذاکرات لازم برای بستن قراردادهای سرمایه‌گذاری دو جانبه که در دهه ۱۹۹۰ شروع شده نیز متوقف مانده است.

برنامه‌های کمک خارجی امریکا هم به طور محدود به ونزوئلا ادامه دارد. طبق گزارش سال مالی ۲۰۰۷ بودجه وزارت خارجه امریکا، ونزوئلا امسال یک میلیون دلار بابت مبارزه با مواد مخدر دریافت خواهد نمود که نسبت به دو میلیون دلاری که در سال ۲۰۰۵ گرفته کمتر است و در ضمن برای تقویت جامعه مدنی و استقرار حکومت قانون هم ۱/۵ میلیون دلار کمک دریافت خواهد کرد. بیشتر این برنامه‌ها تحت نظارت دفتر توسعه بین‌المللی امریکا و موسسه جمهوری خواهان بین‌المللی انجام می‌شود، اما این کمک‌ها در مقابل میلیاردها دلاری که دولت در سراسر کشور صرف رفاه و آبادی مردم می‌کند ناچیز است.

چرا چارژ اهمیت دارد؟

منافع امریکا در ونزوئلا چه مربوط به "انرژی" باشد چه "دموکراسی" و "توسعه اقتصادی" یا "بازرگانی" و "ثبات منطقه‌ای" و یا "امنیت"، با وجود این که دولت چارژ کوشیده وضع ونزوئلا را در تمام این مسائل تغییر دهد، اما همچنان به اهمیت خود باقی است.

انرژی

ونزوئلا بیشتر از نیم قرن است که برای امریکا به صورت منبع مهم تهیه انرژی باقی مانده است. او چهارمین تهیه‌کننده نفت امریکاست (۱۱ درصد) که پس از کانادا (۱۸ درصد) مکزیک (۱۷/۵ درصد) و عربستان (۱۴ درصد) قرار دارد. تصفیه‌خانه‌های موجود در ساحل خلیج مکزیک به شدت به نفت خام ونزوئلا وابسته هستند. تصفیه‌خانه‌های ونزوئلا نیز برای تهیه بنزین مخصوص و مخلوط‌های اضافی که مورد نیاز مقررات پیچیده محیطی امریکا هستند مورد استفاده قرار می‌گیرند. به تازگی دفتر پاسخگویی دولتی اعلام نموده که هر اقدامی برای این که منابع دیگر را کاملاً جانشین نفت ونزوئلا نمایند، چند سال طول می‌کشد و نیازمند افزایش تولید در جای دیگر جهان است. به همین دلیل است که تهدید چارژ برای تعلیق فروش نفت به امریکا موجب افزایش نگرانی سیاستمدارانی شده که نگران امنیت انرژی ملی امریکا هستند.

در حال حاضر قطع فوری صدور نفت به امریکا خیلی بعید است. همان قدر که نفت ونزوئلا برای امریکا اهمیت دارد، همان قدر هم ونزوئلا به بازارهای امریکا احتیاج دارد. باید به خاطر داشته باشیم که ۶۰ درصد نفت ونزوئلا به امریکا صادر می‌شود. به همین دلیل هرگونه تحریم نفت از سوی ونزوئلا بیشتر به ونزوئلا صدمه می‌زند تا امریکا. از این گذشته، چون درآمد

در روز برساند، کافی نیست. افزایش مالیات و حق امتیاز همراه با فقدان شفافیت مالی دولت می‌تواند بالقوه موجب کاهش سرمایه‌گذاری خارجی شود. حتی اگر تولید کاهش پیدا نکند و چاوز بخواهد هزینه‌های حمل و نقل اضافی و بهای پایین تر از بازار را جهت اهداف سیاسی قبول کند، باز هم خطر عدم ارسال نفت به آمریکا کم است. هرگونه کاهش صدور نفت به آمریکا موجب گران‌تر شدن هزینه ارسال آن به آفریقا یا خاورمیانه خواهد شد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که هرگونه تهدید چاوز برای به خطر انداختن امنیت انرژی آمریکا، محدود است. هزینه کم حمل و نقل، تناسب و تقارن موجود بین حفاری چاه‌های ونزوئلا و تصفیه‌خانه‌های آمریکا، ما را مطمئن می‌کند که نفت همچنان به‌سوی شمال جاری خواهد بود.



دموکراسی

از پایان جنگ سرد تاکنون، بهبود دموکراسی یک رکن از سیاست خارجی آمریکا، در امریکای لاتین بوده است. دولت بوش غالباً تأکید داشته که حکومت دموکراتیک همیشه پیش شرط روابط صمیمانه بین آمریکا و امریکای لاتین است. چنین شرطی براساس این فرض قرار دارد که حکومت‌های لیبرال دموکرات به احتمال بیشتر موجب صلح و ثبات در منطقه خواهند شد.

سیاستمداران واشنگتن همیشه در درک این مطلب که چرا بسیاری از مردم منطقه به ادعای آمریکا در این مورد بدبین هستند دیرفهم بوده‌اند. در اکتبر ۲۰۰۵، "سازمان نظرسنجی بارومتر" گزارش داد از اواسط دهه ۱۹۹۰ در این کشورها حمایت از دموکراسی کاهش یافته و آنها به اقتدارگرایی تمام و کمال رو آورده‌اند. به عبارت دیگر کاهش اعتماد به لیبرال دموکرات‌ها در برآوردن نیازهای اساسی آنها زمینه را برای چاوز و هواداران آنها مستعد کرده که به‌سوی یک مدل سیاسی ضد امریکایی و دموکراسی مشارکتی رو آورده و نقش بیشتری به دولت در اقتصاد بدهند.

بسیاری از مردم امریکای لاتین معتقدند سیاست حمایت آمریکا از دموکراسی، همان پشتیبانی از دیکتاتورهای ضد کمونیست و احزاب قدیمی سیاسی است که فقر و نابرابری را تشدید می‌کند. جنگ با عراق موجب بدنامی آمریکا شده و در ونزوئلا شک به آمریکا در مورد دست داشتن در کودتا موجب شده که ادعاهای آمریکا در مورد حمایت از دموکراسی دروغ از آب درآمده، حتی تهدیدکننده باشد. چاوز روی چنین طرح‌هایی سرمایه‌گذاری کرده و به‌طور موفقیت‌آمیزی احساسات ضد امریکایی را تقویت نموده تا در سیاست داخلی از آن بهره‌برداری کند.

نفت برای اجرای برنامه "چاویستا" اهمیت بسیاری دارد، بنابراین تحریم، امور بازرگانی را تهدید نموده و به شهرت و محبوبیت داخلی رژیم ونزوئلا صدمه می‌زند.

طرح چاوز برای ارسال نفت به چین به جای آمریکا هم بسیار مبهم است. تعداد اندکی از تصفیه‌خانه‌هایی که خارج از آمریکا قرار دارند می‌توانند مقداری از نفت خام سنگین ونزوئلا را تصفیه کنند. به نظر نمی‌رسد که چینی‌ها حاضر باشند وقت و پول خود را صرف این کار کنند. از نظر جغرافیایی، آمریکا بازار طبیعی نفت ونزوئلا است. خط لوله انتقال نفت که بین ونزوئلا و کلمبیا قرار دارد ممکن است موجب کاهش هزینه حمل نفت به آسیای شرقی شود، اما فروش نفت به آمریکا همچنان به صرفه است. از سوی دیگر ونزوئلا چنانچه بخواهد چینی‌ها را تشویق به خرید نفت خود نماید باید آن را کمتر از بهای بازار جهانی بفروشد.

از نظر چین، ونزوئلا فقط بخشی از نیاز آنها را به منابع طبیعی در جهان تأمین می‌کند، زیرا چین با بیشتر شرکت‌های نفتی امریکایی فعالانه کار می‌کند و در رابطه با آمریکا مسائلی چون تجارت، ارز، تایوان و کره شمالی برای او مطرح است و می‌داند چنانچه با آمریکا در مورد مسائل نیمکره غربی مبارزه کند، چیزی عاید او نمی‌شود.

در عین حال، با تردید می‌توان گفت که ونزوئلا بتواند به دلخواه تولید خود را افزایش دهد. طبق آخرین اطلاعات، کل تولید - با در نظر گرفتن میدان‌های نفتی که تحت کنترل شرکت نفت است و تقریباً ۲۵ درصد در هر سال کاهش دارد به ندرت توانسته خود را به سطح پیش از اعتصاب برساند. قول چین برای حفاری دوازده حلقه چاه نفت کمک بزرگی به‌شمار می‌رود، اما برای این که بتواند تا سال ۲۰۱۲ تولید نفت کشور را به ۵/۸ میلیون بشکه

ایجاد یک سیستم سیاسی بسیار متمرکز و شخصی به جای نهادهای دولتی مستقل احتمال شورش‌های داخلی را در آینده در ونزوئلا افزایش می‌دهد، اما ظرفیت امریکا برای نفوذ در سیاست داخلی کشور محدود است. مادامی که شرکای امریکای لاتین با رژیم چاوز، روابط بازرگانی، دیپلماتیک و مالی دارند، امریکا نمی‌تواند ماهیت دولت ونزوئلا را زیاد تغییر بدهد. در عین حال مادامی که این شایعه وجود دارد که امریکا می‌خواهد به‌طور خشونت‌آمیزی رژیم را تغییر دهد، کمک‌های محدود آن نیز برای ایجاد جامعه مدنی به‌جایی نخواهد رسید.

برای این که امریکا بتواند از ضعیف‌شدن دموکراسی در ونزوئلا جلوگیری کند، در صورت تقلب در انتخابات و اصلاح قانون اساسی که زمینه را برای دوران نامحدود قدرت چاوز فراهم می‌کند، ممکن است بتواند متحدان منطق‌های پیدا کند یا به یک توافق منطق‌های برسد. بسیاری از دولت‌های منطقه از ترس متزلزل‌شدن رژیم خود توسط چاوز حاضرند با امریکا در این مورد همکاری کنند.

توسعه اقتصادی

سیاستمداران امریکا مدت‌هاست از بازار آزاد و آزادسازی اقتصادی به‌عنوان بهترین راه برای رسیدن به رشد بلندمدت و ثبات اقتصادی که به نفع امریکا و منافع دیگر تجاری است حمایت می‌کنند، اما رهبران ونزوئلا برای این کشور یک مدل توسعه اقتصادی در نظر گرفته‌اند که بر پایه دخالت دولت و سرمایه‌گذاری برای بهبود رفاه اجتماعی قرار دارد. ظاهراً نتایج، امیدوارکننده است، زیرا با بالا رفتن بهای نفت و بودجه زیادی که دولت صرف امور اجتماعی می‌کند، تولید ناخالص ملی کشور به ۱۸ درصد رسیده، در حالی که سال گذشته ۱۰ درصد بوده است. کل صادرات که در سال ۱۹۹۸ زیر ۲۰ میلیارد دلار قرار داشت، در سال ۲۰۰۵ به ۵۵/۷ میلیارد دلار رسید و مازاد تجاری ونزوئلا که در سال ۱۹۹۸ چهار میلیارد دلار بود، امروزه به ۲۸ میلیارد دلار رسید.^(۱۳) به همین دلیل چاوز توانسته وابستگی کشور را به قرض‌های خارجی کاهش داده و دلار ذخیره سهام بانک مرکزی را افزایش دهد. بدین ترتیب در حالی که بسیاری از کشورهای ثروتمند نفتی نتوانسته‌اند به مردم فقیر خود کمک کنند، سطح فقر در ونزوئلا به‌طور چشمگیری کاهش یافته، علاوه بر این دولت توانسته به مردم شهرنشین خدمت بسیاری بکند.

هر چند اقتصاد ونزوئلا به رشد مهمی دست یافته، اما مدل توسعه اقتصادی چاوز در بلندمدت بادوام نیست. علت آن هم این است که دولت به شدت به بهای بالای نفت وابسته است. بودجه‌کنونی که بر پایه بشکه‌های ۳۰ تا ۴۰ دلار تنظیم شده می‌تواند تأثیر بسیار بدی بر اقتصاد بگذارد. حتی اگر قیمت‌ها در سطح کنونی بماند (تقریباً بشکه‌های ۶۰ دلار)، دولت ممکن است برای حفظ درآمدها دست به مبارزه بزند، زیرا سرمایه‌گذاری در قسمت نفت کاهش یافته و شرکت‌های خصوصی از ترس خطرات سیاسی سرمایه‌گذاری را به تأخیر انداخته‌اند.

سرمایه‌گذاری خارج از بخش نفت نیز راکد شده و هزاران شغل متوسط، بزرگ و کوچک از بین رفته‌اند. طبق گزارش بانک مرکزی ونزوئلا، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از حدود پنج میلیارد دلار در سال ۱۹۹۸ به ۱/۵ میلیارد در سال ۲۰۰۴ رسیده.^(۱۴) صدها تعاونی کوچک با کمک دولت

در دست تأسیس است، اما حتی خوش‌بین‌ترین طرفداران چاوز معتقدند که تعدادی از آنها بیشتر باقی نخواهند ماند. جاده‌ها، پل‌ها، بنادر و تأسیسات زیربنایی حیاتی دیگر هم در حال خراب‌شدن هستند. در سال ۲۰۰۶ این مشکلات با خراب‌شدن یک پل و تأخیر زیاد در ساختن بزرگ‌راهی که کاراکاس را به فرودگاه و بندر اصلی شهر متصل می‌کرد به‌وجود آمد. از این گذشته فقط یک چهارم از ۱۱۰۰۰۰ خانه جدیدی که باید در ونزوئلا ساخته شود، تا پاسخگوی ۱/۵ میلیون کمبود مسکن باشد، ساخته شد.^(۱۵)

در حالی که انتظار می‌رفت بهای نفت نسبتاً بالا بماند، دولت چاوز برای تأمین هزینه برنامه‌های اجتماعی خود و جوهری را آزادانه از شرکت نفت و بانک مرکزی برداشت. طبق برآورد یکی از کارشناسان دولت، دست‌کم ۱۲/۵ میلیارد دلار بدون هیچ حساب و کتابی از بودجه برداشته و به دلخواه خرج شده است.^(۱۶) "صندوق ارزی ثبات" که اصولاً برای حفظ بخشی از درآمد غیرمنتظره برای سرمایه‌گذاری آینده در نظر گرفته شده بود نیز به فراموشی سپرده شده است، با وجود افزایش چشمگیر مازاد تجاری ملی، ارقام رسمی دولت نشان می‌دهد که از سال ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۴، دولت مرکزی به‌طور متوسط حدود ۳۷/۲ درصد تولید ناخالص ملی را که هر سال دریافت نموده، خرج کرده است.

بدون شفافیت مالی، سرمایه‌گذاری خارجی، رشد بخش غیرنفتی، ایجاد نهادهای مستقلی که پاسخگوی مردم باشند، رشد اقتصادی پایدار و حفظ سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت و خدمات درمانی مشکل خواهد بود. حتی اگر بهای نفت نسبتاً بالا بماند، مردم سرانجام تقاضای سهمی بیشتر در اقتصاد متنوع رو به رشد خواهند داشت، درآمدهای را می‌خواهند که یارانه‌ها نمی‌توانند آن را تهیه نمایند. سرانجام این گسستگی‌ها و مشکلات از محبوبیت و حمایت از چاوز بیشتر از تلاش امریکایی‌ها برای تغییر رژیم خواهد کاست. با در نظر گرفتن این مشکلات، متوجه می‌شویم که مدل سیاسی - اقتصادی ونزوئلا در درازمدت دیگر نمی‌تواند نمونه مطلوبی برای منطقه باشد. در حقیقت دولت‌های چپ‌گرایی که در سال‌های اخیر انتخاب شده‌اند می‌کوشند تا نظام متکی به بازار را با راهبردهای رفاه اجتماعی ادغام نموده تا بتوانند به مردم فقیر کمک کنند. کشورهای شیلی، برزیل و آرژانتین توانسته‌اند در عین حفظ ثبات اقتصاد کلان به میزانی متفاوت با فقر مبارزه کرده و موفقیت‌هایی نیز به دست آورند. بنابراین واشنگتن باید ضمن حمایت از این تلاش‌ها، کوشش کند سوده‌های آزادسازی مالی و تجارت را عادلانه بین مردم تقسیم کند. انجام موفقیت‌آمیز این برنامه، از محبوبیت برنامه اجرایی "چاوویستا" در سراسر منطقه خواهد کاست.

تجارت

ونزوئلا با رهبری چاوز تلاش نموده تا بازارها را برای صدور نفت و جذب سرمایه‌گذاری غنی‌تر سازد. این راهبرد با مخالفت شدید با طرح تجارت آزاد تحت رهبری امریکا همراه بود. در اجلاس کشورهای "امریکاس" (Americas) که در نوامبر ۲۰۰۵ تشکیل شد، رهبران کشورهای برزیل، آرژانتین، پاراگوئه، اوروگوئه و ونزوئلا با امتناع از هرگونه گفت‌وگو در این مورد طرح تجارت آزاد "امریکاس" (FTAA) را رد نمودند، اما بیشتر اختلافات بر سر یارانه‌های کشاورزی امریکا قرار داشت، ولی مانند بیشتر

مسائل راهبردی، لفاظی‌های چاوز در عرصه تجارت بسیار بدتر از عمل اوست. سیاست‌های تجاری آمریکا بخصوص سیاست جانشین آن، یعنی موافقتنامه‌های تجاری - منطقه‌ای نمی‌تواند ضرر زیادی به منافع آمریکا بزند.

با تأکید بر مبادلات ایدئولوژیک، فرهنگی و اجتماعی، روش جانشین بولیواری برای "امریکاس"، در وهله اول چون ابزاری تبلیغاتی عمل می‌کند. معاهده تجارتی خلق‌هاکه در ماه مه ۲۰۰۶، توسط مورالس رئیس‌جمهور بولیوی پیشنهاد شد و مورد تأیید کاسترو و چاوز قرار گرفت نیز همان نقش را ایفا می‌کند. این معاهده بیشتر از آن‌که در زمینه تجارت نیمکره با آمریکا ستیز نماید، عقاید سیاسی آن رهبران را در هم ادغام می‌کند. هر دو پیشنهاد آنها مشکلاتی برای کلمبیا، پرو، اوروگوئه و بخصوص پاراگوئه که موافقتنامه‌های دوجانبه‌ای با آمریکا دارد ایجاد می‌کند.

"مرکوسور" که ونزوئلا در جولای ۲۰۰۶، به عنوان عضو کامل به آن پیوست، برای تحکیم پیوندها بین اعضای خود، با همان مشکلات روبه‌روست. هر چند کشورهای عضو این پیمان، همچنان اتهامات را متوجه پیمان آزاد تجاری می‌کنند، اما با هم نیز اختلاف دارند، مثلاً مخالفان "لولا" - رئیس‌جمهور برزیل - از دولت خود به خاطر این‌که اجازه داد، ونزوئلا نیز به پیمان مرکوسور ملحق شود انتقاد می‌کردند و معتقد بودند که چاوز تأثیر نهادهای ابتدایی را دست‌کم گرفته و ادغام تجاری را به تأخیر می‌اندازد. با وجود مذاکراتی که با تأخیر در کنفرانس موافقتنامه آزاد تجاری انجام شد و رکود گفت‌وگوهایی که در سازمان تجارت جهانی در دوحه پیش آمد، بین آمریکا و ونزوئلا هنوز روابط تجاری ادامه دارد. تنش و حمله‌های سختی که آنها به هم می‌کنند مانع کسب سودهای مالی که دوطرف از رابطه با هم به دست می‌آورند، نشده است.

نفوذ منطقه‌ای

نفوذ منطقه‌ای چاوز در سال‌های اخیر به میزان چشمگیری افزایش یافته است. از سال ۲۰۰۵ دولت او در چند مبارزه انتخاباتی نقشی ایفا کرده و تلوپیا و آشکارا از کاندیدیهایی که به تفکر سیاسی او نزدیک بودند پشتیبانی کرده است. چاوز پس از انتخابات دسامبر ۲۰۰۵ در بولیوی که "ایو مورالس" به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد، متحد مهمی پیدا نمود و هرچ‌گاه علاقه خود را برای گسترش نفوذ در جای دیگر پنهان نکرده است. در پرو به حمایت از "اولنا هومالا" (Ollanta Humala) یک ملی‌گرای افراطی پرداخت. هر چند که سرانجام از یک چپ‌گرای میانه‌روی ضد چاوز شکست خورد، اما ۴۰ درصد آرا را به دست آورد و در بخش‌های بزرگی از جنوب فقیرتر کشور انتخابات را برد. در نیکاراگوئه، دانیل اورتگا که به سمت رئیس‌جمهور کشور انتخاب شد، به احتمال زیاد متحد نزدیک چاوز خواهد شد. رافائل کوریا (Rafael Correa) هم در انتخابات ریاست‌جمهوری "اکوادور" پیروز شود از دوستان نزدیک او خواهد بود. چاوز در حالی که روابط گرمی با "نستور کیرشنر" (Nestor Kirchner) رئیس‌جمهور آرژانتین دارد، روابط گرم خود را با "لولا داسیلوا" که برای بار دوم رئیس‌جمهور برزیل شد هم حفظ کرده است.

با وجود این موفقیت‌های شایان، مبالغه در مورد قدرت چاوز برای نفوذ در مسائل سیاسی منطقه درست نیست. مقامات دولت بولیوی دوست

دارند مستقل از ونزوئلا عمل کنند، زیرا فشار منافع منطقه‌ای، نیازمند خودمختاری بیشتری است که ممکن است موجب محدودیت قدرت مورالس شود و نتواند قدرت را مانند چاوز متمرکز کند. در بسیاری از موارد مردم آمریکای لاتین با دخالت ونزوئلا در امور داخلی کشور خود مخالفت کرده‌اند. موضع سختی که آن‌گاریسیا، رئیس‌جمهور پرو، در مقابل کاراکاس گرفت، موجب پیروزی او در انتخابات شد. به همین ترتیب اتهاماتی را (که بعدها درستی آن معلوم نشد) مانند این‌که رئیس‌جمهور مکزیک "آندرس مانوئل لوپز" با چاوز روابطی صمیمانه دارد، موجب شد که رقیب او "فیلیپ کالدون" در ماه جولای در انتخابات مکزیک برنده شود. در آمریکای لاتین کشورهایمانند برزیل، آرژانتین، شیلی و اوروگوئه که از فرهنگ سیاسی ملی‌گرایانه‌ای برخوردارند، به‌طور کلی مخالف روش‌های پوپولیستی افراطی و دخالت‌گرایانه چاوز هستند. به همین دلیل نیز بسیاری از مردم آمریکای لاتین به تلاش آمریکا برای دخالت در امور داخلی ونزوئلا با سوءظن نگاه می‌کنند. مادامی‌که آمریکا به‌طور پنهانی از مخالفان رژیم ونزوئلا حمایت کند و در صدد براندازی چاوز باشد، راه به جایی نخواهد برد.

ونزوئلا و ایران

با وجود نگرانی‌های بین‌المللی در مورد برنامه اتمی ایران و حمایت از تروریسم، ونزوئلا طی دیدارها و بستن قراردادهای اقتصادی، روابط سیاسی و اقتصادی خود با ایران را تحکیم بخشیده است. در مارس ۲۰۰۵ محمد خاتمی، رئیس‌جمهور ایران، از کاراکاس دیدن کرد و چند قرارداد دوجانبه اقتصادی امضا نمود و این موجب شد که چاوز از ایران بازدید کرده و یازده قرارداد جدید تجاری با محمود احمدی‌نژاد - رئیس‌جمهور جدید ایران - امضا کند. چاوز هنگام دریافت نشان عالی جمهوری اسلامی گفت: "ما همه وقت و همه جا کنار جمهوری اسلامی ایستاده‌ایم."

اکنون کارخانه‌های ایران در ونزوئلا شروع به ساختن تراکتور و اتومبیل نمودند و شرکت نفت دولتی ایران، پتروپارس هم علاقه خود را به افزایش تولید نفت در ونزوئلا ابراز کرده است.

چاوز با نزدیک شدن به ایران موقعیت خود را مقابل آن متحدان آمریکای لاتین که همکاری و حمایت آنها برای طرح سیاست‌های نیمکره‌ای او حیاتی‌تر است، به خطر انداخته است. قراردادهای اقتصادی چاوز با تهران به هیچ‌عنوان قابل مقایسه با روابط بازرگانی او با آمریکا، چین یا کشورهای دیگر آمریکای لاتین نمی‌باشد. آمریکا برای این‌که به چاوز هشدار دهد روابط خود با تهران را در حد قابل قبولی نگه دارد (مانند همکاری نظامی و هسته‌ای) باید از حکومت‌های دیگر آمریکای لاتین کمک بخواند.

توصیه‌هایی برای سیاست آمریکا

به نظر می‌رسد چاوز قصد دارد در انتخابات دسامبر ۲۰۰۶ هم بر رقیب انتخاباتی خود "مانوئل روزالز" پیروز شود [انتخابات انجام شد و پیروز شد]، در حالی‌که به نظر نمی‌رسد بهای نفت در درازمدت دچار کاهش زیادی شود، رهبران ونزوئلا می‌توانند همچنان به بدل و بخشش‌های داخلی و بین‌المللی خود که از سال ۲۰۰۳ تاکنون موجب بقای آنها شده ادامه دهند، چون قرار است برای ماندن نامحدود چاوز در قدرت، یک همه‌پرسی انجام شود، بدین ترتیب به نظر می‌رسد مخالفان چاوز نتوانند هیچ اقدام جدی و موفقیت‌آمیزی در مقابله با او انجام دهند و او همچنان در قدرت باقی خواهد

ژانویه ۱۳۸۶
ژانویه ۱۳۸۶
ژانویه ۱۳۸۶

ماند. با وجود شکست او در به دست آوردن یک کرسی در شورای امنیت سازمان ملل، به نظر می‌رسد او در صدد است به صورت مخالف عمده آمریکا در امریکای لاتین - و چه بسا دنیا - در قدرت بماند.

دولت بوش برای مقابله با چاوز شروع به انتقاد از او در زمینه‌های مبارزه با تروریسم، مواد مخدر، حقوق بشر و دموکراسی نمود. طبق گزارش سال ۲۰۰۶ وزارت امور خارجه آمریکا، دولت چاوز به اندازه کافی با آمریکا در مبارزه با تروریسم همکاری نمی‌کند. این وزارت خانه در گزارش دیگری هم ادعا کرده که ونزوئلا همکاری لازم را با آمریکا در مبارزه با مواد مخدر و پولشویی به عمل نمی‌آورد. در عین حال مقامات کاخ سفید از بدتر شدن وضع نهادهای دموکراتیک در کشور اطلاع داده‌اند که همین مسئله به آمریکا اجازه داده تا به مخالفان دولت کمک مالی بکند. (۱۶)

بدبختانه به خاطر سودی که دولت چاوز از مخالفت با آمریکا می‌برد و به علت خاطره بدی که از کودتای ۲۰۰۲ باقی مانده، امید به این که این اقدامات به جایی برسند ناچیز است. از این گذشته چون نه آمریکا و نه ونزوئلا مایل نیستند که اختلافات موجود، منافع تجاری آنها را در بخش انرژی به خطر بیندازد، به نظر نمی‌رسد که آمریکا بخواهد به زودی راهبردهای سیاسی و اقتصادی دولت چاوز را تغییر دهد. در مقابل چاوز هم سعی دارد، کاری نکند که پیوندهای اقتصادی حیاتی او در بازار آمریکا به خطر بیفتد.

شعار و تغییر رژیم

به خاطر ماهیت خاص بازارهای نفت و بیهودگی تحریم‌های اقتصادی به عنوان یک ابزار سیاست خارجی و صدمه دیدن اعتبار آمریکا در ونزوئلا و امریکای لاتین، تغییر رژیم در ونزوئلا مناسب و عملی نیست. از سوی دیگر رئیس دولت ونزوئلا شرافتمندانه، دوباره انتخاب شده است. به نظر

نمی‌رسد که مخالفان بتوانند از راه‌های غیرقانونی یا قانونی، چاوز را برکنار کنند. از این گذشته، همسایگان ونزوئلا و نهادهایی که آنجا عضو هستند مانند سازمان دولت‌های امریکایی هم بعید به نظر می‌رسد که در براندازی چاوز با آنها همکاری کنند. بنابراین امریکا ترجیح می‌دهد به جای ایجاد بحران بیشتر در منطقه، ونزوئلا را منزوی و کنترل کند.

هنگام چاوز همیشه مردم ونزوئلا را از دخالت سیاسی - نظامی آمریکا می‌ترساند. به همین دلیل دولت بوش و دولت‌های پس از او باید به ونزوئلا به طور کامل اطمینان دهند که به هیچ عنوان به صورت پنهان و آشکار قصد تجاوز به ونزوئلا را ندارند. دادن چنین اطمینانی تا حدی ادعاهای چاوز را در مورد احتمال دخالت آمریکا خنثی کرده و فضایی برای برقراری دیپلماسی کلی و مثبت، باز خواهد کرد.

کاخ سفید و وزارت دفاع و در حقیقت تمام مقامات اجرایی باید شدت حمله‌های خود به رئیس جمهور و مقامات دولتی را تعدیل داده و از کاریکاتور کردن و اسم گذاری روی آن خودداری کنند.

امریکا مشخص کرده که با انتخاب مجدد چاوز در ۳ دسامبر ۲۰۰۶ مخالف است و از رقیب او، مانوئل روزالس حمایت می‌کند. هر چند امریکا به طور یکسان از رقیب چاوز و نیروهای چاویدا حمایت می‌کند، اما باید به هر زحمت که هست خود را بی طرف نشان دهد.

آژانس توسعه بین‌المللی، نهاد جمهوری خواه بین‌المللی و نهاد دموکراتیک ملی، با تمام تعهداتی که در خارج از ونزوئلا دارند، باید برای حفظ بی طرفی و احترام به قانون اساسی، نظارتی شرافتمندانه بر امور داشته باشند.

مسائل دوجانبه

سودی که چاوز از سیاست داخلی و حیثیت بین‌المللی به عنوان یک مخالف برجسته آمریکا می‌برد، ممکن است حتی پس از انتخابات نیز از منافع که به خاطر روابط دوجانبه با واشنگتن به دست می‌آورد، بیشتر باشد. با این وجود ممکن است هنوز بتوان نوعی رابطه عملی با ونزوئلا برقرار کرد. تجربه نشان می‌دهد امریکا موفق شده با کشورهای که در حرف و عمل مخالف منافع آمریکا هستند روابط موفقیت آمیزی برقرار کند. در اینجا نیز ادامه تجارت مانع تشدید اختلافات می‌شود.

امریکا و ونزوئلا ممکن است بتوانند در چند موضوع مورد علاقه به طور موفقیت آمیزی با هم گفت‌وگو کنند. این مسائل عبارتند از: امنیت مرزها و منطقه، محیط زیست و مهاجرت، انرژی، مواد مخدر، تروریسم، گسترش امراض عفونی و ...



نظر دولت ونزوئلا برای گفت و گوی دوجانبه معیار مهمی است که نشان خواهد داد، آیا ونزوئلا می تواند زمینه مشترکی با امریکا پیدا کند؟ پس از انتخابات ریاست جمهوری در سال ۲۰۰۶، دولت بوش باید پیشنهاد کند که بحث هایی در سطح عملی با مقامات ونزوئلا در مورد امنیت مرزها، انرژی، مواد مخدر و بهداشت عمومی انجام شود. این پیشنهاد از سوی واشنگتن کمک می کند تا به منطقه نشان دهد که امریکا با وجود شعارهای چاوز می کوشد تا با کاراکاس برخوردی عملی داشته باشد. اگر کاراکاس این پیشنهاد را قبول نکند، امریکا در موقعیت بهتری خواهد بود تا کشورهای دیگر منطقه را متقاعد کند که چاوز اشتباه می کند.

ونزوئلا را باید دعوت کرد تا در مورد امنیت انرژی در گفت و گوی منطقه ای شرکت کند. سازمان همکاری انرژی نیم کره غربی، محل مناسبی برای بحث در مورد منافع انرژی مشترک است. باید از ونزوئلا دعوت کرد، در برنامه "بانک توسعه" داخلی امریکا شرکت کند تا موجب توسعه انرژی پایدار و سوخت زیستی (سوخت به عنوان عنصر حیاتی و تمدن ساز) در امریکا لاتین شود.

گفت و گوی منطقه ای

دست کشیدن از شعارهای تند، بررسی منصفانه برنامه حمایت از دموکراسی امریکا و پیشنهاد مذاکرات دوجانبه به امریکا کمک خواهد کرد تا ثابت کند سیاست های او بیشتر از این که عملی باشد دوستانه است. البته این به این معنی نیست که امریکا باید به ونزوئلا کارت سفید بدهد. شکست تحقیرآمیز ونزوئلا در احراز یک کرسی در شورای امنیت سازمان ملل ممکن است به حیثیت بین المللی او لطمه زده و به طور موقت از لاف و گزاف او در دیپلماسی بین المللی کاسته باشد. با وجود این مسائل مقامات امریکایی باید مسائل داخلی و خارجی آن را بخصوص با ایران در نظر داشته باشند. از سوی دیگر چون نفوذ یکجانبه امریکا در این کشور محدود است، بهترین راه برای امریکا این است که برای مبارزه با چاوز در آینده از حمایت منطقه ای استفاده کند.

امریکا باید با رهبران دیگر منطقه مانند برزیل، شیلی، آرژانتین و مکزیک بحث کند که چنانچه چاوز در امور داخلی و خارجی، خطوط قرمز را رعایت نکند، چه واکنشی باید نشان دهد. چون توافق در مورد خطوط قرمز در سطح منطقه مشکل است، از این رو بحث در مورد مسائل مورد توافق، تمرین خوبی است.

در صورتی که چاوز بخواهد با اصلاح قانون اساسی به طور نامحدود در قدرت بماند و بعد کشورهای همسایه را متزلزل کند و با ایران روابط نظامی برقرار نماید با مخالفت عموم رو به رو خواهد شد. گفت و گوی منطقه ای می تواند مانع این شود که چاوز دست به اعمال غیر قابل قبول بزند. در این صورت و با ایجاد بحران در ونزوئلا و منطقه، راه را برای واکنش مشترک آماده می کند. شرط موفقیت در این مورد تا حد زیادی بستگی به لحن امریکا در گفت و گو با شرکای منطقه ای خود دارد. گفت و گو باید ماهیت اکتشافی داشته و با احترام متقابل همراه باشد. باید پذیرفت که امریکا نبرد دشواری در پیش دارد، زیرا کشورهای همسند که پیوندهای مهم اقتصادی با ونزوئلا دارند و این نوع بحث ها به نفع آنها تمام می شود. فقط اگر این ابتکارها با تغییر رفتار گسترده امریکا با امریکای لاتین انجام شود، می تواند نتایج مثبتی داشته باشد.

سیاست امریکا مقابل امریکای لاتین

در منطقه ای که از قدیم به قدرت امریکا سوء ظن داشتند معلوم است که به سیاست خارجی او هم شدیداً سوء ظن دارند. بخصوص افول اقتدار اخلاقی امریکا نیز این فوریت را برای امریکا پیش آورده که مسائل مهم امریکای لاتین مانند فقر، ناامنی، قطب بندی سیاسی و بحران در حکومت را اصلاح کند. همان طور که شورای روابط خارجی در کمیسیون ۲۰۲۰ آندزس (Andes) مرکز اقدامات پیشگیرانه، در سال ۲۰۰۴ اظهار داشت، امریکا باید سیاست هوشمندانه ای را در منطقه آندین (Andean) - ونزوئلا، کلمبیا، اکوادور، پرو و بولیوی - پیش گیرد تا بتواند در استقرار دموکراسی، مبارزه با مواد مخدر و کاهش نابرابری اجتماعی موفق شود و همین سیاست باید در تمام امریکای لاتین اجرا شود.

برای رسیدن به چنین هدف دشواری باید از شیوه های ابتکاری و با انعطاف در مقابل تجارت آزاد و ملی سازی منابع استفاده نمود. در عین حال باید مایل باشند با شرکای نیم کره غربی مانند آرژانتین، برزیل و مکزیک و تعدادی دیگر همکاری نزدیکی داشته باشند. کنگره امریکا باید میلیون ها دلاری را که صرف مبارزه با مواد مخدر می شود ارزیابی نموده و برای سعادت و رفاه این مردم به کار برد. یک روش موثر در این مورد این است که بیشتر به کارخانه های ملی امریکای لاتین کمک کند تا امریکایی. در عین حال لازم است که گفت و گوی جدیدی در مورد نوع کمک های انطباق یافته و اقدام های مناسب دیگر همراه با توافق هایی مربوط به تجارت آزاد صورت بگیرد تا مشکلاتی که تولیدکنندگان کوچک بخصوص در بخش کشاورزی دارند حل شود. سرانجام این که مقامات دولتی باید بی عدالتی هایی که پلیس مهاجرت امریکا در سراسر نیم کره انجام می دهند را درک کند، این راهبر در بلندمدت کمک می کند تا وجهه رهبرانی چون چاوز کاهش پیدا کند.

نتیجه

چاوز با امریکا به مبارزه پرداخته است. محبوبیت او در کشور به طور مستقیم ناشی از مبارزه با فقر است. از سوی دیگر محبوبیت او در منطقه هم به خاطر تأکیدی است که در مبارزه با فقر، نابرابری و بی عدالتی اجتماعی می کند. با وجود تاثیر سیاسی که راه انداخته، نمی تواند به منافع امریکا آسیب جدی بزند، زیرا اقتصاد او شدیداً به بازارهای نفت امریکا وابسته است. در حقیقت این دولت ونزوئلا است که در این میان از همه بیشتر سود می برد و می تواند نفت ونزوئلا را کنترل کند. هر چند چاوز به احساسات ضد امریکایی در منطقه دامن می زند، اما رأی دهندگان امریکای لاتین در مقابل هر کس که بخواهد در منطقه درگیری ایجاد کند، حتی اگر شعارهای ضد دولتی و ضد امریکایی بدهد، مقاومت خواهند کرد. رهبران منطقه نمی خواهند اختلاف بین امریکا و ونزوئلا شدت بگیرد و با پوپولیسم چاوز مخالف هستند. امریکا برای مبارزه با چاوز ناچار است از دو راهبر بلندمدت و کوتاه مدت استفاده کند. در راهبر کوتاه مدت، امریکا باید بی اعتنا به تاثیر چاوز، سعی کند به طور عملی در مورد مسائل دوجانبه و منطقه ای مانند امنیت انرژی، تروریسم، کاهش فقر، محیط زیست و مبارزه با امراض عفونی در منطقه حضور داشته باشد. امریکا می تواند پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری که در

از دیدگاه بین المللی و در سال ۱۳۸۶

دسامبر ۲۰۰۶ صورت می‌گیرد به کاراکاس پیشنهاد مذاکره دو جانبه بدهد. بعد چه کاراکاس قبول کند یا نکند، امریکا برنده است. چنین روش‌های عملی حتی اگر شکست بخورد، دولت‌های امریکای لاتین را بیشتر مایل می‌سازد که با امریکا در چارچوب‌های مشخصی همکاری کنند. امریکا باید در بلندمدت هم مسئله فقر و نابرابری را که خوراک چاوز در مبارزه است حل کند. حفظ رهبری امریکا بستگی به این دارد که چقدر او مقابل مسئله منطقه آندین و تمام امریکای لاتین از خود شفافیت نشان می‌دهد. از سوی دیگر مقامات امریکای لاتین هم باید دو دسته‌گی‌های عمیق اجتماعی را که هر روز با آن روبه‌رو هستند تصدیق کنند. فقط با حل ریشه‌ای نابرابری، که بهانه چاوز در مداخله کشورهای ضعیف و شکننده است، امریکا می‌تواند به عنوان حامی دموکراسی در نیمکره، اعتبار خود را حفظ کند.

پی‌نوشت‌ها:

* ریچارد لپر (Lapper) از ماه مه ۱۹۹۸ سردبیر مسائل

امریکای لاتین در تایمز مالی است که در مورد امریکای لاتین در نشریه اصلی و اینترنتی، مقالاتی می‌نویسد. در ضمن با نشریه‌های مجله جنوبی بینش کارائیب هم همکاری دارد. نویسنده هم‌اکنون ساکن سانوپلوی برزیل شده، اما مرتب به امریکای لاتین و امریکا مسافرت می‌کند. ریچارد لپر که خود عضو کمیته ۱۶ نفری مشورتی، مرکز اقدامات پیش‌گیرانه در شورای روابط خارجی امریکا بوده است، مسئول تنظیم گزارش از بررسی‌های انجام شده توسط کمیته در خصوص "نحوه مقابله با ونزوئلا و چاوز" شد. متنی که می‌خوانید برگردان گزارشی است که در سایت شورا منتشر شده است.

۱- Eclac بررسی ابتدایی و اجمالی امریکای لاتین و جزایر کارائیب ۲۰۰۵ (سازمان ملل، دسامبر ۲۰۰۵)، صفحه ۱.

۲- آمار از جورج دبلیو شویلر. "چشم‌انداز دموکراسی ونزوئلا"، چشم‌انداز امریکای لاتین (تابستان ۱۹۹۶)، صفحه ۲۱. جانانان دی جون اقتصاد سیاسی، آزادسازی اقتصادی در ونزوئلا، مقاله پژوهشی شماره ۴۶، ناشر: مرکز گسترش پژوهش‌ها، ناشر موسسه اقتصاد لندن، ژوئن ۲۰۰۴، ص ۴.

۳- مصاحبه مولف با نمایندگان فدراسیون دامداران ونزوئلا.

۴- ایندیرا، آ.آ.آ. لاک شمانا "حرکات نیروی نظامی چاوز زیر نظر است" بوستون گلوب، ۱۷ جولای ۲۰۰۵.

۵- جوان فور رو و بریان الس و ورث: ونزوئلا به وابستگی نظامی خاتمه می‌دهد و افسران امریکایی را بیرون می‌کند، نیویورک تایمز، ۲۵ آوریل ۲۰۰۵.

۶- سیمون رومرو. مطبوع برای ونزوئلا و ناخوشایند چون مسئله تجاری برای رشد امریکا، نیویورک تایمز، ۱۶ آگوست ۲۰۰۶.

۷- درستی این اتهام هنوز دقیقاً ثابت نشده. ونزوئلا استدلال می‌کند حضور



سازمان فارس در ونزوئلا را باید به علت عملکرد درازمدت دولت دانست. دولت‌های ونزوئلا برای حفظ امنیت کشور با سازمان یادشده تماس داشت. رهبران سازمان فارس انقلاب چاوز را تحسین می‌کردند و برای کلمبیای جدید حرکت سیاسی او را چون حرکت بولیوار رهبر انقلابی امریکا لاتین تلقی می‌کنند، ولی سازمان فارس عضو رسمی حرکت چیزی چاویستا نیست، زیرا عضویت در این گروه محدود به سازمان‌هایی می‌شود که به شیوه مسالمت‌آمیز از راه انتخابات در صدد کسب قدرت سیاسی هستند.

۸- کری دمب باف و مارسالیوان: "علاقه فزاینده چین به امریکا لاتین گزارش مخصوص برای کنگره (کتابخانه کنگره، ۲۰ آوریل ۲۰۰۵) ص ۲.

۹- "برناردو آتوار زهرا" سفیر ونزوئلا در امریکا، ۹ سپتامبر ۲۰۰۶.

۱۰- اداره بازرسی وزارت امور خارجه امریکا، "بررسی سیاست امریکا مقابل ونزوئلا".

۱۱- رامسفلد، چاوز را به هیتلر تشبیه نمود و رژیم او را پوپولیستی نامید. آسوشیتدپرس، ۳ فوریه ۲۰۰۶.

۱۲- آمار بانک جهانی، شاخص‌های توسعه جهان (واشنگتن دی سی، ۲۰۰۶)

۱۳- فیل گانسون، چاوز و ونزوئلا، تاریخ معاصر، فوریه ۲۰۰۶.

۱۴- "مأموریت غیر ممکن" اثر یک اقتصاددان ونزوئلایی.

۱۵- مصاحبه نویسنده، ماه مه ۲۰۰۶.

۱۶- وزارت امور خارجه امریکا: گزارش در مورد تروریسم، آوریل ۲۰۰۶ -

گزارش برای وزیر امور خارجه - تصمیم رئیس جمهور برای ترانزیت مواد مخدر و پیام به کشورهای مهم تولیدکننده این مواد در سال مالی ۲۰۰۷ انتشار در مطبوعات ۲۴ سپتامبر ۲۰۰۶ و ۱۵ سپتامبر همان سال، گزارش وزارت امور خارجه در مورد حقوق بشر که در سال ۲۰۰۶ منتشر شد.